

## سیری بر مفاهیم توسعه اقتصادی از رشد تا پایداری؛ تطابق‌پذیری با رویکرد اسلامی

حجت ورمزیاری<sup>۱</sup>، مصطفی بنی‌اسدی<sup>۲</sup>

### چکیده

دانش اقتصاد و مفاهیم مرتبط با آن مانند رشد و توسعه، در علوم تجربی رقم خورده‌اند، اما متاثر از ارزش‌ها، اعتقادات و مکاتب فکری فلسفی هستند. مطالعه حاضر، ابتدا مفهوم توسعه و تحول تاریخی آن را به اجمال مطرح نموده و در مسیر تکاملی، مفهوم توسعه «توسعه پایدار» به عنوان دستاورد جامعه انسانی نقد و بررسی کرده است. هر چند جوامع انسانی به‌ویژه در جهان غرب، پس از آزمون و خطای فراوان و تجربه تبعات منفی اجتماعی، فرهنگی و محیط زیستی تلقی رشد اقتصادی به مثابه توسعه، توسعه پایدار را مد نظر قرار دادند، ولی بررسی نشان می‌دهد این مفهوم نیز از تناقض درونی رنج می‌برد. از سوی دیگر، ارزش‌های ماتریالیستی و خودخواهانه نظام اقتصادی و جامعه مصرف‌کننده غربی در تضاد با اصول توسعه پایدار قرار دارد. این مطالعه در نهایت، رشد اقتصادی مطلوب اسلام و مؤلفه‌های آن را تبیین نموده است. آموزه‌های اسلامی ایجاب می‌کنند که در اندازه‌گیری رشد اقتصادی، در کنار هزینه‌های محیط‌زیستی فعالیت‌های توسعه‌ای و عمرانی، هزینه‌های فرهنگی نیز مورد توجه قرار گیرند. لازمه تحقق چنین جامع‌نگری در اندازه‌گیری رشد که امکان تعالی انسانی را تسهیل خواهد کرد، تبعیت از ارزش‌های بنیادین انسانی مانند عدالت، احترام به محیط زیست و حفظ عاطفه و نهاد خانواده است. این ارزش‌ها در تناقض با ارزش‌های نظام اقتصادی لیبرالیستی قرار دارد.

**واژگان کلیدی:** توسعه، سرمایه‌داری، رشد اقتصادی، توسعه پایدار، رویکرد اسلامی

### مقدمه

در طول تاریخ، سؤال اساسی جوامع انسانی، دستیابی به اهداف تعیین شده و کسب دستاوردهای مناسب بوده است. دولت‌ها متناسب با بسترهای تاریخی، فرهنگی، اقتصادی،

<sup>۱</sup> دکتری توسعه کشاورزی دانشگاه تهران

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری اقتصاد کشاورزی دانشگاه شهید باهنر

اجتماعی و محیطی خود، سیاست‌های متفاوتی را در قالب برنامه‌ها و راهبردهای توسعه طراحی و اجرا کرده‌اند. تبیین صحیح نظری توسعه و رویکردهای آن و ابتناء آن بر نظام عقیدتی و جهان‌بینی صحیح، نقش مهمی را در موفقیت کشورها خواهد داشت. بر این اساس است که مأموریت و چشم‌انداز دولت‌ها ترسیم شده و از حرکت‌های فاقد برنامه پرهیز می‌شود. این تحقیق به دنبال بررسی اجمالی سیر تحول مفاهیم توسعه (با رویکرد اقتصادی) در دهه‌های گذشته - از رشد تا پایداری - و نحوه تغییر شاخص‌های اندازه‌گیری رشد و توسعه است. در نهایت، تطابق‌پذیری رشد و پایداری با رویکرد اسلامی بررسی شده و مؤلفه‌های اصلی توسعه اقتصادی اسلامی تبیین می‌گردد.

### توسعه به مثابه رشد

واژه توسعه پس از جنگ جهانی دوم، کمابیش مترادف رشد اقتصادی تلقی گردید (هتن، ۱۹۹۵؛ اودن، ۲۰۰۶؛ ثربکه، ۲۰۰۶).<sup>۳</sup> از آنجایی که درآمد سرانه کشورهای توسعه نیافته در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین پایین‌تر از درآمد سرانه کشورهای صنعتی بود، لذا کشورهای یادشده، مصمم به قرار دادن برنامه‌هایی در اولویت کاری خود شدند که بیشترین درآمد و رشد را ایجاد کنند (یوسفی، ۱۳۸۸). در این راستا، توسعه بر اساس ساده‌انگاری مفرط، از طریق سرانه تولید ناخالص ملی سنجیده شد (ندروین پیترز<sup>۴</sup>، ۲۰۰۱؛ ثربکه، ۲۰۰۶). معمولاً اینچنین تصور می‌شد که تحقق رشد اقتصادی، مشکلات بیکاری، نابرابری و فقر را به طور خودکار حل خواهد کرد (یوسفی، ۱۳۸۸). در دسامبر ۱۹۶۱، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، دهه ۱۹۶۰ را به عنوان دهه توسعه نامگذاری کرد که طی این دوره، دولت‌های عضو و جمعیت آنها باید حداکثر تلاش خود را برای تسریع پیشرفت به سمت رشد اقتصادی خودپایدار مبذول می‌داشتند. سازمان ملل اعلام کرد، هر کشور در حال توسعه و یا توسعه نیافته‌ای که به نرخ رشد اقتصادی ۶ درصد برسد، به توسعه دست خواهد یافت. دهه ۱۹۶۰-۱۹۷۰، مهمترین دهه گسترش خوش‌بینی نسبت به مدرنیزاسیون و توسعه تلقی می‌شود (هتن، ۱۹۹۵؛ اودن، ۲۰۰۶؛ ژیرمای<sup>۵</sup>، ۲۰۰۵). این ده سال، به دهه

<sup>۳</sup> Hettne, 1995; Odén, 2006; Thorbecke .

<sup>۴</sup> Nederveen Pieterse .

<sup>۵</sup> Szirmai .

شکوفایی مدرنیزاسیون نیز معروف است. اصولاً همه اقتصاددانان توسعه، در این دوره، دو موضوع اساسی را به طور مشترک، مورد توجه داشتند: توسعه مترادف با رشد اقتصادی بوده و تزریق سرمایه فراوان، برای دستیابی به آن حیاتی است. نظریه مشهور آرتور لوئیس (۱۹۹۱-۱۹۱۵) در خصوص لزوم متمرکز شدن سرمایه در دست سرمایه‌داران و افزایش شکاف طبقاتی، که در سال ۱۹۵۴ ارایه شد، از مهمترین عقبه‌های نظری نظام سرمایه‌داری در دستیابی به رشد و توسعه مورد نظر به شمار می‌رود. بررسی نظریات اقتصادی قرن هجدهم و نوزدهم نیز حاکی از همسویی بین دولت‌ها و سرمایه‌داران در راستای بهره‌کشی هرچه بیشتر از نیروی کار و حمایت از سیاست‌های بازار آزاد است.

در دهه اول توسعه (دهه ۱۹۶۰)، برخی از کشورهای توسعه نیافته مشاهده کردند، با وجود اجرای الگوی مدرنیزاسیون و بعضاً بر خلاف دستیابی به رشد اقتصادی مطلوب، هنوز با مشکلات فراوانی در عرصه اجتماعی و سیاسی مواجه‌اند. انجمن بین‌المللی توسعه صراحتاً این موضوع را اعلام کرد که در کشورها، ممکن است با افزایش تولید ناخالص ملی، زندگی انسان‌ها حقیرتر شود. در این راستا محبوب‌الحق اقتصاددان برجسته پاکستانی اظهار داشت: «مسئله توسعه را باید حمله‌گزینشی به بدترین شکل فقر تعریف کرد. اهداف توسعه باید بر حسب کاهش مداوم و در نهایت حذف سوء تغذیه، بیماری‌ها، بیسوادی، ناله و فغان، بیکاری و نابرابری ترسیم شوند» (یوسفی، ۱۳۸۸). همچنین تلقی رشد اقتصادی شتابان به عنوان هدف آرمانی و استفاده حداکثری از حداقل منابع سبب پیامدهای بسیار ناگوار محیط‌زیستی برای جوامع -از جمله کشورهای صنعتی- گردید.

لذا جامعه جهانی تا حدودی به این جمع‌بندی رسید که رهیافت‌های تجویزی غرب، نمی‌تواند منجر به بهبود وضعیت کشورهای در حال توسعه گردد. در این دوره بود که مکاتبی مانند مکتب وابستگی در اعتراض به نقش ظالمانه کشورهای مرکز و استثمار کشورهای پیرامون توسط آنها شکل گرفت. کینز، اقتصاددان بزرگ معاصر نیز با انتقاد از اصول اقتصاد کلاسیک، اقتصادگرایی را مورد سرزنش قرار داد و اظهار داشت بهتر است دیگر، اقتصاد به عنوان هدف و ارزش نهایی تلقی نشود، بلکه از آن به عنوان وسیله‌ای در جهت تحقق هدف‌های متعالی اجتماعی از قبیل عدالت و سایر هدف‌های انسانی و اجتماعی استفاده شود. برتراند راسل نیز با آنکه گرایش‌های مادی دارد در انتقاد به اخلاق سرمایه‌داری می‌گوید (حسینی، ۱۳۷۸): «کاری که منظور آن فقط درآمد باشد، نتیجه

مفیدی بار نخواهد آورد». گاستاو استوا<sup>۶</sup> (۲۰۰۷) نیز تصریح کرده است: «پنجاه سال تبلیغ اقتصاددانان، رشد اقتصادی را به یک غرور یا تعصب مبدل ساخته است. بدون اینکه نیاز به توجیه باشد، همه صاحب‌نظران تسریع در روند رشد اقتصادی را مطلوب می‌دانند. حال زمان آن رسیده تا این فکر مهلک کنار گذاشته شود».

بر این اساس در دهه بعدی (۱۹۸۰-۱۹۷۰) نسبت به اثربخشی رشد اقتصادی و پشتوانه‌های نظری آن تردید ایجاد شد. دهه ۱۹۷۰ دهه بسیار پیچیده‌ای در رابطه با تفکر توسعه به شمار می‌رود. در این دهه، کمک‌ها و مساعدت‌های کشورهای توسعه یافته به کشورهای در حال توسعه و جهان سوم، توجه بیشتری نسبت به کاهش فقر و اشتغال‌زایی پیدا کرد (نوتسون<sup>۷</sup>، ۲۰۰۹). این امر، حاکی از تغییر نگرش نسبت به رشد اقتصادی صرف به عنوان معیار توسعه بود. در واقع اندیشمندان واقع‌بین توسعه پس از شکست تجربه نظام سرمایه‌داری و ایده‌های کلاسیک و نئوکلاسیک توسعه، در پی الگوهایی برای توسعه اقتصادی برآمدند که در عین بهبود رشد، به بهبود عدالت و فقرزدایی نیز منجر شده و پیامدهای محیط زیستی را به حداقل برسانند. به این ترتیب مفهوم توسعه پایدار جایگزین رشد اقتصادی به عنوان هدف غایی جوامع گردید.

### توسعه پایدار

هرچند مفهوم توسعه پایدار پیش از این، در دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ پدیدار شد (اتحادیه جهانی حفاظت<sup>۸</sup>، ۱۹۸۰) ولی توسعه پایدار پس از گزارش سال ۱۹۸۷ کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه<sup>۹</sup>، بارز شد و اینگونه تعریف گردید: «...توسعه‌ای که نیازهای کنونی را بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده برای برآوردن نیازهای خودشان برآورده می‌سازد» (گاسپاراتوس و همکاران<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۸ و سیدرویه و ووسینک<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۷). واژه «پایداری» در بیانیه مأموریت «گروه مشاوره‌ای تحقیقات بین‌المللی کشاورزی»<sup>۱۲</sup> در سال

<sup>۶</sup> . Gustav Esteva

<sup>۷</sup> - knutsson

<sup>۸</sup> - IUCN

<sup>۹</sup> . WCED

<sup>۱۰</sup> - Gasparatos et al

<sup>۱۱</sup> . Sydorovych and Wossink

<sup>۱۲</sup> . Consultative Group on International Agricultural Research (CGIAR)

۱۹۸۹ مورد استفاده قرار گرفت. منظور از پایداری در این بیانیه، «مدیریت موفق منابع برای کشاورزی به منظور ارضای نیازهای متغیر انسان‌ها و در عین حال، حفظ یا بهبود کیفیت محیط زیست و حفظ منابع طبیعی» عنوان گردید (کمیته مشاوره فنی گروه مشاوره ای تحقیقات بین‌المللی کشاورزی، دسترسی در ۲۰۱۳)<sup>۱۳</sup>.

هدف ترکیب دو مفهوم پایداری و توسعه در گزارش کمیسیون برون‌تند تحت عنوان «آینده مشترک ما»، ایجاد مصالحه بین رشد اقتصادی مورد نظر نئوکلاسیک‌ها و دغدغه جدید محیط‌زیستی و به رسمیت شناختن محدودیت‌های بیوفیزیکی رشد به عنوان مانعی برای توسعه اقتصادی بود (بکر، ۱۹۹۷). در حقیقت، پدیداری و به رسمیت شناخته شدن الگوی توسعه پایدار در سطح جهان، ناشی از رشد این آگاهی بود که توسعه دارای ابعاد مختلفی بوده و نمی‌توان آن را به طور ساده‌انگارانه با شاخصی مانند تولید ناخالص ملی سنجید. در این دهه، توسعه مفهوم پیچیده‌تری نسبت به دهه ۱۹۶۰ پیدا کرد. می‌توان گفت در توسعه پایدار، رشد اقتصادی ابزاری برای رسیدن به سایر اهداف اجتماعی و محیط‌زیستی مانند کاهش فقر، اشتغال‌زایی، توزیع عادلانه، مدیریت مناسب منابع طبیعی و غیره به شمار می‌رود.

به این ترتیب از اواخر دهه ۸۰ میلادی، بحث «توسعه پایدار» به طور رسمی و بارز وارد مذاکرات رسمی جهانی در زمینه توسعه گردید که اساس آن بر پذیرش این اصل استوار است که حیات انسان‌ها و جوامع بشری، تک‌بعدی نبوده و حداقل دارای سه بعد کلی اجتماعی، اقتصادی و محیط‌زیستی است.

جامعه توسعه بین‌المللی به این اجماع رسید است که باید در دوره ۲۰۱۵-۱۹۹۰، اقداماتی به منظور کاهش ۵۰ درصدی سهم افرادی که در فقر مطلق زیر یک دلار درآمد در روز زندگی می‌کنند، انجام پذیرد (گودوین، ۲۰۰۰؛ کاتارینیچ، ۲۰۰۱؛ روئه و یوقاهارات، ۲۰۰۱؛ بانک جهانی، ۲۰۰۲). این هدف توسعه هزاره، در ایجاد تمرکز جدید بر رشد حامی فقرا به منظور ریشه‌کنی فقر و گرسنگی جهانی مؤثر بوده است (بانک جهانی، ۲۰۰۲). فائو (۲۰۰۳) نیز تصریح می‌کند، همه نهادهای بین‌المللی به نظر می‌رسد این موضوع را پذیرفته باشند که لازمه اثربخشی رشد اقتصادی در زمینه کاهش فقر، حامی فقرا و فراگیر بودن آن است. بانک جهانی نیز در گزارش توسعه جهانی ۲۰۰۱ - ۲۰۰۰ خود، بر اقدامات برد-بردی

<sup>۱۳</sup> Technical Advisory Committee, CGIAR .

تأکید می‌کند که هم رشد را بهبود می‌دهند و هم منجر به بهبود برابری می‌شوند. امروزه بحث پیرامون پایداری، نه تنها برای رهیافت‌های بدیع و نوین توسعه، تقاضا ایجاد کرده است (تودارو، ۱۹۹۶؛ کربریج، ۱۹۹۵؛ کون و شنتون، ۱۹۹۶)، بلکه خواستار بازاندیشی اساسی در خود اقتصاد غربی شده است (ریست، ۱۹۹۷؛ گودلند و همکاران، ۱۹۹۲). در این راستا شاخص‌های کلاسیک اندازه‌گیری توسعه اقتصادی مانند تولید ناخالص ملی مورد نقد قرار گرفته و شاخص‌های اندازه‌گیری رشد نیز متحول شدند.

### سنجه‌های جدید رشد و توسعه

تولید ناخالص ملی، آسیب‌های محیط‌زیستی یا هزینه‌های توانبخشی اجتماعی را به عنوان مقادیر مثبت در نظر می‌گیرد، چراکه این مقادیر، هزینه‌های کلی اقتصاد ملی را افزایش می‌دهند. نقیصه مذکور، در اقتصاد نئوکلاسیک از طریق تعدیل تولید ناخالص ملی و با کسر هزینه تخلیه و آلودگی منابع و با در نظر گرفتن توزیع درآمد - به‌ویژه از طریق «نمایه رفاه پایدار اقتصادی» - برطرف شده است (کاستانزا، ۱۹۹۳).

نمایه رفاه اقتصادی پایدار (دالی و کوب، ۱۹۸۹)<sup>۱۴</sup>، شاخص پیشرفت واقعی<sup>۱۵</sup> (تعریف مجدد پیشرفت<sup>۱۶</sup>، ۱۹۹۵) و نمایه منفعت خالص پایدار<sup>۱۷</sup> (لاون و ساندرس، ۱۹۹۹)<sup>۱۸</sup> سه چارچوب حسابداری پایداری هستند که ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند و مبتنی بر تلاش‌های اولیه، مانند فعالیت‌های نورد هائوس و تبین<sup>۱۹</sup> (۱۹۷۲) و زولوتاس<sup>۲۰</sup> (۱۹۸۱) هستند. هر سه چارچوب، به شکلی صورت‌بندی می‌شوند که بتوانند برآورد بهتری از رفاه اقتصادی پایدار جمعیت مورد نظر به عمل آورده و به‌ویژه بتوانند جایگزین سایر سنجه‌های حساب‌های ملی مانند تولید ناخالص داخلی شوند که به نظر می‌رسد برای در نظر گرفتن رفاه انسان، ناکافی باشند.

<sup>۱۴</sup> - Daly and Cobb

<sup>۱۵</sup> - Genuine Progress Indicator (GPI)

<sup>۱۶</sup> - Redefining Progress

<sup>۱۷</sup> - Sustainable Net Benefit Index (SNBI)

<sup>۱۸</sup> - Lawn and Sanders

<sup>۱۹</sup> - Nordhaus and Tobin

<sup>۲۰</sup> - Zolotas

البته با وجود اینکه مفهوم توسعه پایدار کاربرد زیادی یافت، ولی انتقاداتی را نیز به خود جلب کرد (لومیس، ۲۰۰۰) و به دلایل مختلف غیرقابل دستیابی تلقی گردید. برخی معتقدند، تلاش‌های مربوط به «کمپسیون بروتلند» لاجرم محکوم به فساد است، زیرا رشد و پایداری ناسازگارند (لل، ۱۹۹۱؛ کاستانزا و واینگر، ۱۹۹۱؛ اوکونور، ۱۹۹۴)<sup>۲۱</sup>. محققان دیگر نیز ادعا می‌کنند که این مفهوم، صرفاً جدیدترین حمله متقابل ایدئولوژیک به سرمایه‌داری جهانی بوده (اسکوبار<sup>۲۲</sup>، ۱۹۹۵) و لذا مفهوم مبهم و بلااستفاده (تمپل، ۱۹۹۲؛ ریست، ۱۹۹۷؛ یانگ، ۱۹۹۵)<sup>۲۳</sup> یا مفهوم ایده‌الی است که در واقعیت قابل دستیابی نیست (نرگارد، ۱۹۹۴)<sup>۲۴</sup>.

### توسعه پایدار در عمل

شواهد حاکی از آن است که توسعه پایدار برخلاف اینکه در مجامع علمی و تصمیم‌گیر جهانی، به‌ویژه در کشورهای غربی، به طور گسترده‌ای مورد بحث و بررسی قرار گرفت و با وجود اینکه در مفهوم توسعه بازنایشی شد، ولی کماکان این جوامع، توسعه پایدار را به‌درستی عملیاتی ننموده و با بحران‌های اجتماعی، محیط‌زیستی و حتی اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کنند. شاخص‌های پایداری تأثیر کافی بر معکوس ساختن جریان تخریب محیط‌زیستی و ناپایداری نداشته‌اند. متأسفانه اطلاعات علمی مانند اطلاعاتی که توسط شاخص‌ها منتقل می‌شوند، معمولاً برای ایجاد تغییر در تصمیم‌گیری ملی و نیز رفتار فردی، کافی نبوده‌اند.

یکی از دلایل اصلی عدم تحقق عملی توسعه پایدار و فقدان اثربخشی چارچوب‌ها و شاخص‌ها، تداوم تسلط مبانی معرفتی و فکری نظام سرمایه‌داری است که عرصه را بر توسعه پایدار تنگ کرده و به آن بیشتر، حالت نمادین داده است. این در حالی است که دستیابی به پایداری در گرو تغییرات اساسی در سبک‌های زندگی، الگوهای مصرف، استفاده از منابع و نظام‌های اقتصادی است. ارزش‌های ضروری برای سوق دادن جامعه به سمت پایداری از قبیل عدالت، انسجام و احترام به محیط زیست و محدودیت

<sup>۲۱</sup> - Lele, 1991; Costanza & Wainger, 1991; O'Connell, 1994

<sup>۲۲</sup> - Escobar

Temple, 1992; <sup>۲۳</sup> - Rist, 1997; Young, 1995

<sup>۲۴</sup> - Norgaard

های آن، در تناقض با ارزش های ماتریالیستی و خودخواهانه نظام اقتصادی و جامعه مصرف‌کننده است (دال، ۲۰۱۲). جالب آنکه با وجود پدیداری مباحث توسعه پایدار از دهه ۷۰ میلادی، مکتب نئولیبرالیسم که شکل عریان‌تر مکتب لیبرالیسم است، در دهه ۱۹۷۰ مورد توجه قرار گرفته و از دهه ۱۹۸۰ به بعد، همزمان با به رسمیت شناخته شدن توسعه پایدار، به الگو و مکتب اقتصادی مسلط در عرصه جهانی مبدل شده است. در نتیجه غلبه نئولیبرالیسم در سطح جهان، تعهدات جهانی در زمینه توسعه پایدار به‌خصوص از سوی کشورهای صنعتی محقق نشده است. برای نمونه، در کنفرانس ریو سال ۱۹۹۲ که کشورهای جهان و به‌خصوص سران این کشورها، حضور گسترده و بی سابقه‌ای داشتند، حرف‌های زیبا و ادعاهای زیادی چه در حفظ و حراست از محیط زیست و چه در جهت کمک به کشورهای در حال توسعه بیان شد. در ریو، کشورهای صنعتی و پیشرفته، دم از حمایت از محیط زیست زدند و کشورهای در حال توسعه و فقیر، بر مناسبات عادلانه تجارت جهانی تأکید داشتند. این سند ۸۰۰ صفحه‌ای که مسیر کلی را برای اقدام در مورد همه چیز تعیین می‌کند، اگرچه در ابتدا حرکتی پویا و روشنگر تلقی می‌شد، ولی رفته رفته رو به افول گذاشت و به‌خصوص بخش بزرگی از کمکی که ملل ثروتمند تعهد کرده بودند برای کمک به کشورهای فقیر، در جهت دستیابی به اهداف زیست محیطی بپردازند، پرداخت نشد (الکساندر، ۱۳۷۳).

بنابراین هرچند توجه جهانی به معضلات محیط‌زیستی معطوف‌تر شده و توجهات به سوی توسعه پایدار اقتصادی جلب شده است، لکن باید اذعان داشت که نقص مهم تمامی کنفرانس‌ها و اجلاس‌های برگزار شده و تمام قراردادها و اعلامیه‌های ارائه شده برای محیط زیست و توسعه (حتی اعلامیه ریو) این است که می‌خواهند با همان الگوهای فکری و اقتصادی حاکم -به‌ویژه نئولیبرالیسم- که محیط زیست بشری را به این روز انداخته‌اند، به مقابله با آلودگی و تخریب محیط زیست برخیزند. از این‌رو، تمامی کنفرانس‌ها، بیانیه‌های پر آوازه‌ای صادر می‌کنند و اسناد با ارزشی را به تصویب می‌رسانند که همه آنها دارای محتوای غنی هستند، ولی در اجرا و پیاده کردن آن هیچ مسئولیت و تکلیفی برعهده کسی نیست و اغلب مصوبات آنها از کاربرد حقوقی لازم و ابزار اجرایی کافی برخوردار نمی‌شوند (دیرباز و دادگر، ۱۳۸۶).



نقش مهم کشورهای غربی در تولید گازهای گلخانه‌ای، تخریب محیط زیست در اثر جنگ‌افروزی‌های مداوم، تداوم فقر، بحران‌های اخلاقی مانند افزایش آمار کودک‌آزاری، تولد فرزندان نامشروع و... همه و همه حاکی از عدم پایداری عملی کشورهای به اصطلاح توسعه یافته، نسبت به توسعه همه‌جانبه و پایدار است. آرمسترانگ و تیلور (۲۰۰۰) نیز تصریح کرده‌اند که در سال‌های اخیر، نگرانی‌ها به تدریج معطوف به عدم تعادل‌های منطقه‌ای و توزیع نابرابر ثروت و درآمد شده است. عامل محرک اصلی نیز گسترش شکاف بین افراد ثروتمند و غنی در آمریکا از دهه ۱۹۷۰ است که منجر به افزایش سهم کنونی دریافت‌کنندگان دستمزد بالا نسبت به سهم آنان قبل از جنگ جهانی دوم شده است (پیکتی و سائز، ۲۰۰۳).

همان‌طور که بررسی‌های علمی نشان داده‌اند، تولید فیلم‌های مبتذل و غیراخلاقی که درآمد خوبی هم در اقتصاد کشورهای سکولار ایجاد می‌کند، یکی از اساسی‌ترین محرک‌های انسان‌ها در ناهنجاری‌های اجتماعی و تجاوز و در نتیجه هزینه‌های اجتماعی است. همچنین تلقی بی‌بندوباری جنسی (در اشکال مختلف خود) به عنوان یک صنعت درآمدزا برای اقتصاد کشورها، از جمله دلایل فروپاشیدن کانون خانواده‌ها و تولد فرزندان نامشروعی است که هزینه‌های اجتماعی و فرهنگی سنگینی بر جوامع خواهند گذاشت. ناسازگاری مبانی فکری نظام سرمایه‌داری با توسعه پایدار است که انسان را می‌تواند به این نتیجه رهنمون سازد که غرب از «توسعه پایدار» بیشتر به عنوان ابزار و پوشش فریبنده برای حفظ جذابیت و هژمونی خود استفاده کرده و حقیقتاً نسبت به آن پایبند نیست. بنابراین با وجود پیشرفت‌های علمی در تعریف مفهوم توسعه، ولی در کشورهای غربی، کماکان رشد اقتصادی از جایگاه محوری و اصلی در تبیین توسعه برخوردار است.

### تناقض درونی توسعه پایدار

علاوه بر موارد فوق، توسعه پایدار در دل خود نیز دارای تناقض است. توسعه پایدار در پی تعدیل اثرات نامطلوب آموزه‌های عصر مدرنیسم - که به دنبال سیطره فرهنگ لیبرال دموکراسی بر تمامی دنیا در قالب دهکده جهانی و از بین بردن خرده‌فرهنگ‌ها بود - پایداری فرهنگی را بر پایه نسبی‌گرایی پسامدرنیسم قرار داده است. یکی از مهمترین معیارهای پایداری فرهنگی نیز احترام به فرهنگ جوامع میزبان و پذیرش تنوع است. در

حقیقت، جامعه جهانی در اثر افراط دوره مدرنیسم در یکسان‌سازی فرهنگی - که فرهنگ‌ها و دانش‌های بومی و میراث‌های فرهنگی را به سرعت در معرض نابودی قرار داده بود- در گذار از مدرنیسم به پسامدرنیسم، روی به تسامح و تساهل آورده و وجود ارزش‌های مطلق را انکار کرد. به بیان دیگر در عصر پسامدرن، تحول اساسی در نگرش نسبت به خرده‌فرهنگ‌ها، بر اساس نسبی‌گرایی و چندپاره کردن و غیرقابل دسترس تلقی کردن «حقیقت» صورت گرفت.

در نسبی‌گرایی عقیده بر آن است که هیچ روشی برای قضاوت در مورد صحیح یا اشتباه بودن اصول و اعتقادات فرهنگ‌های مختلف وجود ندارد و لذا نمی‌توان گفت کدام فرهنگ بر بقیه برتری دارد. نسبی‌گرایی اخلاقی معتقد است چون جوامع مختلف دارای اعتقادات اخلاقی متفاوتی هستند، بنابراین هیچ روش منطقی برای تعیین این موضوع که یک اقدام از نظر اخلاقی صحیح یا غلط است، وجود ندارد، مگر اینکه از افراد هر جامعه پرسیده شود که آیا اقدام مذکور از نظر اخلاقی درست یا اشتباه بوده است (ولاسکوئز، ۱۹۹۸). به عبارت دیگر، هیچگونه ارزش اخلاقی مطلق وجود ندارد و لذا باید به همه فرهنگ‌ها و ارزش‌های آنها احترام گذاشته و تقویت کرد. حال چنانچه فرض شود فرهنگ یک جامعه، متضاد با ارزش‌های محیط‌زیستی و پایداری طبیعت باشد، یکی از ایرادات و تناقضات اساسی توسعه پایدار مشخص می‌گردد. چرا که طبق پایداری فرهنگی مبتنی بر نسبی‌گرایی، باید این خرده‌فرهنگ مورد حمایت و احترام قرار گیرد و در عین حال بر اساس پایداری محیط‌زیستی، این رسومات محلی باید برچیده شده یا تغییر یابند.

بنابراین نسبی‌گرایی در ارزش‌ها که ناشی از پسامدرنیسم بوده و به نوعی مبنای پایداری اجتماعی-فرهنگی به شمار می‌رود خود، متناقض با کاهش هزینه‌های اجتماعی و محیط‌زیستی است که توسعه پایدار بر آن تأکید می‌کند. چرا که مبنای تعیین یک امر به عنوان هزینه و پدیده نامطلوب، تعریف یک پایه قضاوتی است که خوب و بد را از همدیگر تشخیص دهد. این در حالی است که پایداری اجتماعی-فرهنگی، به تکرار ارزش‌ها معتقد بوده و درصدد تقویت آن است. از این‌رو است که تولید فیلم‌های مبتذل و صنعت بی‌بندوباری جنسی که نوعی منبع درآمدی محسوب می‌شوند، به عنوان فعالیت‌ها و پروژه‌هایی که حیات معنوی و فرهنگی انسان‌ها را به خطر انداخته و هزینه‌های اجتماعی-فرهنگی زیادی به بار خواهد آورد، در چارچوب توسعه پایدار به طور جدی مورد تخطئه قرار نمی‌گیرد.

## اسلام و توسعه اقتصادی

در جهان بینی اسلامی، پدیده‌ها و رویدادهای اجتماعی-اقتصادی دارای دو نوع علت مادی و غیبی هستند. سنت‌ها و وعده‌های الهی که در جای جای قرآن کریم به آنها اشاره شده است، بخش مهمی از علل غیبی به شمار می‌روند. اسلام قوانین و سنت‌هایی را برای جوامع بشری قائل است که عام و فراگیر هستند. از این دیدگاه، قوانین حاکم بر جهان، همان روابط علی و معلولی به شمار می‌آید که از طرف خداوند بر پدیده‌های اجتماعی-اقتصادی مقرر شده است و چنین سنت‌هایی به زمان و مکان و یا قوم و ملت خاصی اختصاص ندارد، بلکه همان‌طور که بر جوامع پیشین صادق بوده است برای جوامع کنونی نیز صادق است (آیه ۶۲ سوره احزاب).

برای نمونه، این وعده خداست که «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ» (آیه ۹۶ سوره اعراف). از این آیه استفاده می‌شود که اگر مردم ایمان و تقوا داشته و از مواهب و امکانات الهی به درستی استفاده کنند، این امر موجب نزول برکات الهی شده و گشایش در زندگی مادی و بهبود وضع معیشتی آنها فراهم خواهد شد. در همین راستا خداوند در آیه ۲۹ سوره اعراف می‌فرماید «إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّن تَبُورَ». در اینجا به کسانی که کتاب خدا را همواره تلاوت می‌کنند و نماز را به پا می‌دارند و اهل انفاق هستند، امید تجارتي داده شده است که هرگز کساد و زیان ندارد. بنابراین در اسلام، دینداری به عنوان عامل رونق کسب و کار تلقی شده است. شکر نعمت‌های خداوند نیز از سنت‌های الهی که به صورت حتمی و قاطع بیان شده است: «لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ كَرَامًا» (آیه ۷ سوره ابراهیم).

اعتقاد حقیقی افراد به نقش قوی سنت‌های الهی و عوامل غیبی در رویدادهای اجتماعی-اقتصادی، مانع از بهره‌برداری بیشینه از منابع و تخریب آنها می‌شود. چرا که چنین فردی برخلاف انسان اقتصادی و سکولار غرب که به دنبال حداکثر بهره‌برداری از حداقل منابع برای رسیدن به حداکثر نتایج اقتصادی است، منافع اقتصادی را تنها و تنها ناشی از تلاش‌های خود و برنامه‌ریزی برای به‌کارگیری حداکثری منابع و عوامل تولید نمی‌داند. بلکه به تلاش‌های خود تنها به عنوان ابزاری می‌نگرد که اثربخشی آنها در گروه اراده‌پروردگار است. انسانی که به وعده‌های الهی ایمان دارد، به خود اجازه استفاده از

ابزارهای نامشروع و نافرمانی از احکام پروردگار و آموزه‌های دینی را برای دستیابی به اهداف خود (هرچند مطلوب) نمی‌دهد و اطمینان دارد که اگر فرامین الهی را گردن نهد و شکرگزار نعمت‌های وی باشد، خداوند نیز از جاهایی که تصورش را نمی‌کرد، در کار وی گشایش حاصل می‌کند: «وَيَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ وَ أُوْرَا از راهی که گمان نمی‌برد روزی می‌دهد و کسی که بر خدا توکل نماید او برایش کافی است مسلماً خداوند رساننده فرمان و تحقق بخشنده اراده خویش است» (سوره طلاق، آیه ۳). خداوند در قرآن کریم، خود را به عنوان فاعل اصلی همه تغییرات و تحولات معرفی می‌کند که از آن جمله می‌توان به آیات ۴۳ سوره نور؛ ۲۷، ۲۹، ۳۰ و ۴۱ سوره فاطر؛ ۱۸، ۱۹ و ۲۱ مؤمنون؛ آیه ۳۲ سوره ابراهیم و غیره اشاره کرد.

در سایه چنین تعالیمی، گرایش‌ات خودخواهانه انسان که نظام سرمایه‌داری به شدت بر آن دامن می‌زند، فروکش می‌کند و زمینه مناسبی برای رعایت اخلاق در فعالیت‌های تولیدی و اقتصادی فراهم می‌شود. چنین بینشی الهی، فشار ذهنی و نگرانی انسان را کاهش داده و آرامش خاصی را برای وی پدیدار می‌کند و کیفیت زندگی را به معنای واقعی کلمه افزایش می‌دهد. این در حالی است که انسان مادی با فرهنگ ماتریالیستی خود، چون از نتیجه اقدامات خود و کفایت آنها اطمینان خاطر ندارد، با نگرانی و دلپره خاصی در پی استثمار حقوق دیگران و بهره‌برداری غیرمجاز از طبیعت برمی‌آید، چراکه تنها تلاش‌ها و برنامه‌ریزی یکجانبه خود را عامل موفقیت یا شکست خود می‌بیند. همچنین از آیاتی مانند آیه فوق برداشت می‌شود که از نظر اسلام رشد اقتصادی بدون ارتقاء معنویت مذموم است، بلکه باید همراه با رشد معنویت و توسعه مکارم اخلاقی باشد. تشویق به فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی نباید به گونه‌ای باشد که سبب گسترش بداخلاقی در جامعه و کاهش صداقت، اعتماد، وفای به عهد و به طور کلی سرمایه اجتماعی شود.

اسلام در شراکت‌های اقتصادی (برای نمونه بین شرکت‌های مشاوره، تولیدکنندگان، دولت و غیره) و راه‌اندازی بنگاه‌های اقتصادی، بر رعایت حقوق متقابل، پایبندی حقیقی و کامل به تعهدات، صداقت، درستکاری و دیگر ارزش‌های انسانی تأکید خاصی دارد. اسلام برخلاف الگوی سرمایه‌داری، هرگز اصالت را به سود مادی نمی‌دهد. بنابراین بدنه دستگاه‌های اجرایی، نظارتی و قانونگذار نظام اسلامی باید به این موضوع توجه داشته باشند که شاخص‌های موفقیت در تحقق جهاد اقتصادی و رشد تولید ملی، با شاخص‌های مرسوم در

نظام های غربی، حداقل در شماری از حیطه‌ها متمایز خواهد بود و نباید به دنبال تحقق شاخص‌های مادی‌گرایانه غرب بود. در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، معیار موفقیت اقتصادی نباید صرفاً رشد ارزش افزوده، رشد تعداد کسب و کارها، رشد صادرات و مواردی از این قبیل باشد. هدف‌گذاری‌ها و انتخاب شاخص‌ها نباید به گونه‌ای انجام شود که آحاد جامعه و به ویژه کارآفرینان بخش خصوصی را به صورت لجام گسیخته برای رسیدن به بیشترین سود تشویق نماید. در فرآیند پیشرفت اسلامی، همه ذینفعان و بازیگران اصلی (اعم از دولت، بخش خصوصی و ...) باید پایبند به تعهدات اخلاقی باشند. در چنین حالتی است که سرمایه اجتماعی و اعتماد متقابل در جامعه تقویت شده و هم‌افزایی‌ها منجر به رشد و بهبود سریع‌تر امور می‌شود.

همان‌طور که در مقدمه قانون اساسی آمده است، اقتصاد و رشد تنها یک ابزار هستند. «در تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل، رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست نه همچون دیگر نظام‌های اقتصادی تمرکز و تکاثر ثروت و سودجویی، زیرا که در مکاتب مادی، اقتصاد خود هدف است و بدین جهت در مراحل رشد، اقتصاد عامل تخریب و فساد و تباهی می‌شود ولی در اسلام اقتصاد وسیله است و از وسیله انتظاری جز کارآیی بهتر در راه وصول به‌هدف نمی‌توان داشت».

در این راستا نظام اقتصادی در اسلام باید به‌گونه‌ای مدیریت و سامان یابد که فعالیت اقتصادی افراد از یک بهره‌وری حداقلی برخوردار باشد، به‌نحوی که ایشان برای تأمین نیازهای اساسی در حوزه مسکن، تغذیه، بهداشت، آموزش و غیره و شکل‌گیری معیشت آبرومندانه مجبور به کار شبانه‌روزی نباشند. چرا که در اسلام فعالیت اقتصادی نباید هدف و محور زندگی افراد جامعه تلقی شده و برای نمونه سرپرست خانوار -چه از روی اجبار و چه از روی اختیار- بخش عمده زندگی روزمره خود را به تولید اقتصادی گذرانیده و از خودسازی، تربیت فرزند، تفریح و غیره باز بماند. این امر در گرو افزایش بهره‌وری نیروی کار است تا حداقل هیچ یک از افراد جامعه مجبور به چنین امری نشوند. از نظر اسلام تولید و رشد اقتصادی ابزاری برای تعالی فرد، خانوار و جامعه تلقی شده و نباید تمامی وقت فرد را مصروف خود نماید.

اصل ۴۳ قانون اساسی نیز این امر را یکی از ضوابط شکل‌گیری اقتصاد جمهوری اسلامی دانسته است: «تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعات

کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد».

از سوی دیگر، در نظام اقتصادی اسلام و توسعه اسلامی، رشد و عدالت باید به صورت توأم بهبود یابد و بخش مهمی از رشد اقتصادی، از مسیر توانمندسازی اقشار ضعیف و وارد ساختن آنان به زنجیره ارزش محقق شود. طبق فرموده حضرت علی (ع) هیچ چیزی به مانند عدالت، عمران و آبادی به ارمغان نمی‌آورد. به عبارت دیگر شرط لازم و کافی برای توسعه و آبادانی، عدالت است. چرا که عدالت، از طریق اختصاص هر حقی به صاحبش - فرد یا نهادی که استحقاق استفاده از آن را دارد - زمینه برای رشد و آبادانی را نیز فراهم می‌کند. از دیدگاه اسلام رشد و توسعه بدون عدالت، فاقد ارزش است. آیات و روایات فراوانی بر اهمیت عدالت به طور کلی و عدالت اقتصادی به صورت خاص تأکید دارند، تا جایی که می‌توان گفت: عدالت، ویژگی غیر قابل انفکاک شریعت اسلام است (بی‌نام، ۱۳۸۳). توسعه اقتصادی مورد تأیید دین، در جوهر و ذات خود، دارای عدالت اقتصادی بوده و چنانچه تولیدات جامعه افزایش یابد، ولی سطح معیشت آحاد جامعه ارتقاء پیدا نکند، از دیدگاه اسلامی، نمی‌توان نتیجه حاصل شده را پیشرفت و توسعه نامید (خورشید، ۱۳۷۴). همچنین صدر (۱۳۷۵) معتقد بوده است که سیاست‌های رشد اقتصادی تا زمانی پذیرفته است که با عدالت اجتماعی در تعارض نباشد.

بنابراین در الگوی اسلامی پیشرفت، رشد باید متعادل و با عدالت و توزیع مناسب درآمد همراه باشد و نهایتاً منجر به کاهش فقر شود. این به واقع همان مفهوم توسعه اقتصادی است که صرفاً به رشد پولی توجه نکرده و رفاه واقعی جامعه را در نظر خواهد گرفت. در سخنان امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری نیز تأکیدهای فراوانی بر این امر وجود دارد. در این راستا تنها به سه رهنمود بنیانگذار کبیر جمهوری اسلامی و رهبر انقلاب اشاره می‌شود. «آن چیزی که روحانیون هرگز نباید از آن عدول کنند و نباید با تبلیغات دیگران از میدان به در روند، حمایت از محرومین و پابرهنگهاست چرا که هر کسی از آن عدول کند، از عدالت اجتماعی اسلام عدول کرده است» (لوح زرین انقلاب، ۱۳۶۷/۴/۲۹). «... این به عهده علمای اسلام و محققین و کارشناسان اسلامی است که برای جایگزین کردن سیستم ناصحیح اقتصاد حاکم بر جهان اسلام، طرح‌ها و برنامه‌های سازنده و در بر

گیرنده منافع محرومین و پابرنه‌ها را آرایه دهند» (فریاد براثت، ص ۴۱). مقام معظم رهبری نیز در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت فرموده‌اند: «ما می‌خواهیم عدالت را با توسعه و رشد اقتصادی در کنار هم و با هم داشته باشیم و اینها با هم متنافی نیستند. ما دیدگاهی که تصور کند اینها با هم نمی‌سازند و یا باید این را انتخاب کرد یا آن را، قبول نداریم». بنابراین در دین اسلام رشد اقتصادی توأم با عدالت اقتصادی درون‌نسلی و بین‌نسلی و البته ناشی از آن است.

### وضعیت تغییرات همزمان رشد و عدالت در اقتصاد ایران

نتایج مطالعه بنی‌اسدی و ورمزیاری (در دست انتشار، الف) در خصوص برآورد معادله سرانه تولید ناخالص ملی، نشان داد که در دوره ۱۳۸۶-۱۳۵۰ متغیر ضریب جینی تأثیر مثبت و معناداری بر GDP سرانه دارد. براساس نتایج به‌دست آمده و با توجه به اینکه ضریب هر متغیر مستقل، کشش متغیر وابسته نسبت به تغییرات متغیر مستقل را نشان می‌دهد، یک درصد افزایش در ضریب جینی منجر به افزایش ۰/۷ درصدی در GDP سرانه خواهد شد. این نتیجه حاکی از این است که ساختار اقتصاد کشور به‌گونه‌ای است که هر چه توزیع درآمد ناعادلانه‌تر باشد، رشد GDP سرانه بیشتر خواهد بود. همچنین طبق نتایج مطالعه مذکور، رشد GDP سرانه اثر مثبت و معنی‌داری بر ضریب جینی دارد. بنابر کشش بدست آمده، یک درصد افزایش در تولید ناخالص ملی سرانه منجر به افزایش ۰/۱۶ درصدی ضریب جینی خواهد شد. یعنی افزایش GDP سرانه، توزیع درآمد را بدتر خواهد نمود. بنابراین می‌توان گفت که اهداف رشد و توسعه کشور تاکنون عدالت محور و رشد حامی فقرا نبوده و باید روند کنونی اصلاح شود.

بر خلاف رشد اقتصادی کل، در دوره مذکور، ارزش افزوده بخش کشاورزی که شاخص رشد بخش کشاورزی است، اثر عکس و معنی‌داری بر ضریب جینی روستایی داشته است. این امر نشان می‌دهد رشد بخش کشاورزی منجر به بهبود توزیع درآمد در این نواحی شده است. با توجه به اینکه اغلب ساکنان روستاها به اشتغال کشاورزی مشغول هستند، این طبیعی است که رشد بخش کشاورزی، بتواند منجر به بهبود توزیع درآمد در نواحی روستایی شود. بنابراین رشد کشاورزی در دوره ۱۳۸۶-۱۳۵۰ همسو با بهبود توزیع درآمد

در نواحی روستایی بوده است (بنی‌اسدی و ورمزیاری، در دست انتشار، ب). البته رشد کشاورزی با سازوکارهای خاصی منجر به بهبود توزیع درآمد و عدالت خواهد شد.

### نتیجه‌گیری

مباحث مطرح شده در خصوص رویکردها و رهیافت‌های مختلف به رشد اقتصادی در طول دهه‌های پیشین، نشان داد که پیامدهای منفی نگرش یکجانبه و خوش‌بینی نسبت به رشد اقتصادی - تغییر تولید ناخالص داخلی - سبب بازاندیشی در روش‌های اندازه‌گیری رشد و تعریف معیارهای جدید (مانند هزینه‌های محیط‌زیستی) برای آن شد. توسعه پایدار مفهومی است که آن را می‌توان به عنوان چتری برای مفاهیم و سنجه‌های نوین در نظر گرفت. توسعه پایدار، در نتیجه چندین دهه تجربه جوامع انسانی و اشتباهات مبتنی بر آموزه‌های ضددینی، پدیدار شده است. این نوع توسعه حداقل در مقام نظر، حیات (مادی) انسان را دارای ابعاد اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی دانسته و دارای کل‌نگری بوده و بر عدالت بین نسلی تأکید خاصی دارد. بیشتر ابتکارات توسعه پایدار، در پی ایجاد تعادل بین موضوعات اجتماعی، محیط زیستی و اقتصادی - سه رکن توسعه پایدار - هستند. بنابراین می‌توان اظهار داشت که توسعه پایدار، علیرغم ایرادات اساسی، به مفهوم توسعه اسلامی نزدیک‌تر است و با انجام تغییرات لازم، می‌توان از این تجربه ارزشمند در تدوین الگوی اسلامی ایرانی تعالی و توسعه بهره گرفت.

همان‌طور که (دال، ۲۰۱۲) اظهار داشته است، ارزش‌های ضروری برای سوق دادن جامعه به سمت توسعه پایدار از قبیل عدالت، انسجام و احترام به محیط زیست و توجه به محدودیت‌های آن، در تناقض با ارزش‌های ماتریالیستی و خودخواهانه نظام اقتصادی و جامعه مصرف‌کننده غربی است. لذا دستیابی به توسعه پایدار، در گرو تغییرات اساسی در سبک‌های زندگی، الگوهای مصرف، استفاده از منابع و نظام‌های اقتصادی است. همچنین با توجه به مباحثی که پیرامون تناقض درونی توسعه پایدار مطرح شد، چنانچه توسعه پایدار در پی کسب دستاوردهای مناسب باشد، باید تکلیف خود را با نسبی‌گرایی مشخص کند. زیرا نسبی‌گرایی به‌خصوص در حوزه اخلاق، مانع از تدوین اخلاق محیط‌زیستی جامع و فراگیر خواهد شد. اصولاً نیز به دلیل مشکلات عمده‌ای که نسبی‌گرایی به همراه داشته است، اغلب فیلسوف‌ها بنا به دلایل مختلف آن را رد کرده‌اند (پژمان، ۱۹۸۹؛ راسلز، ۱۹۹۹؛



## سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

ارديبهشت و خرداد ۱۳۹۳

ولاسکوئز، ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸)<sup>۲۵</sup>. شومان<sup>۲۶</sup> (۲۰۰۱) نیز نظریه نسبی‌گرایی اخلاقی را رد کرده و جستجو برای اصول اخلاقی جهان شمول را امر مهم و منطقی دانسته است. دال (۲۰۱۲) هم پایداری را اساساً یک چالش اخلاقی دانسته و تأکید کرده است که پایداری، با توجه به ارزش‌های مردم و اصول اخلاقی که نهادهای جامعه باید پایبند به آنها باشند، عملیاتی گردد.

از این‌رو ایجاد تحولات اساسی و واقعی در رویکرد به توسعه اقتصادی فراگیر و جامع، در گرو پذیرش یک مبنای فلسفی است که بتواند از جامعیت مورد نظر برخوردار بوده و رهنمودهای اساسی برای تغییر مناسب سبک و ارزش‌های زندگی داشته باشد. دین اسلام مکتبی است که به همه جوانب حیات انسان نظر داشته و بشر را در خصوص آنها راهنمایی کرده و بنابراین لازمه تحقق توسعه پایدار و به عبارت بهتر همه‌جانبه، پیروی حقیقی از رهنمودهای اسلامی است. آیات و احادیث بسیار فراوانی مبنی بر راهنمایی انسان در خصوص چگونگی تعامل پایدار و معقول با محیط زیست، خانواده، محرومان، جامعه، همسایه، کارفرما، زبردستان در این مکتب مشاهده می‌شود. برای نمونه دیدگاه اسلام در خصوص عدالت اقتصادی، دارای رویکرد متعادلی است، به‌گونه‌ای که از یک‌سو نظام اقتصادی را مکلف به تأمین حداقل معیشت انسان‌های نیازمند و فقیر و کاهش اختلاف سطح زندگی کرده و از سوی دیگر، مخالف ایجاد برابری تصنعی و کامل افراد جامعه در میزان برخورداری از ثروت است - آنچه که هدف مطلوب ضریب جینی است - چرا که این امر مانع از شکوفایی استعدادها و فرهنگ تلاش و کارآفرینی شده و لذا چنین سیاست‌هایی در خصوص عدالت هرگز پایدار نخواهد بود - به مانند آنچه که در نظام سوسیالیسم اتفاق افتاد. اسلام عدالت اقتصادی را به‌نحوی تعریف کرده است که ذاتاً ناظر بر رشد اقتصادی نیز بوده و زمینه مناسبی را برای رشد فراهم می‌کند.

بنابراین به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت، از نظر اسلام رشد اقتصادی بدون رشد معنویت و همراه با تخریب محیط زیست و پایمال کردن حقوق دیگران مذموم است. بلکه رشد اقتصادی باید همراه با بهبود عدالت اقتصادی، توسعه مکارم اخلاقی و حفظ محیط زیست باشد. بنابراین باید شاخص‌هایی برای اندازه‌گیری رشد اقتصادی طراحی شوند - به

<sup>25</sup> - Pojman, 1989; Rachels, 1999; Velasquez

<sup>26</sup> - Schumann

## سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

ارديبهشت و خرداد ۱۳۹۳

مانند تولید ناخالص داخلی سبز که هزینه‌های محیط‌زیستی فعالیت‌های اقتصادی را وارد حساب‌های ملی می‌کنند- که هزینه‌های معنوی و اخلاقی پروژه‌های توسعه‌ای را نیز علاوه بر هزینه‌های محیط‌زیستی در نظر بگیرند. این شاخص‌ها باید به نحوی طراحی و سنجیده شوند که رشد اقتصادی بدون معنویت و مبتنی بر آموزه‌های نظام لیبرالیستی مانند رقابت آزاد از عدالت را تشویق نکرده و کرامت انسانی را حفظ نموده و زمینه را آنگونه که در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است، برای زندگی همه‌جانبه و متعادل فراهم کنند. این رویکرد جدید در اندازه‌گیری رشد اقتصادی، زمینه مناسبی را برای عملیاتی شدن تهیه پیوست فرهنگی برای طرح‌های توسعه‌ای نیز خواهد داشت. برنامه‌ریزی نظام پایش و ارزشیابی بخش‌های اقتصادی کشور نیز باید بر اساس این الگوی همه‌جانبه باشد تا بتواند بهبود ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نهادی و محیط‌زیستی حیات انسان‌ها را مورد رصد قرار دهد. نهایت اینکه نتایج مطالعات حاکی از آن است که رشد اقتصادی کل ایران در دوره ۱۳۸۶-۱۳۵۰ منجر به بهبود توزیع درآمد نشده است. برعکس، رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی عدالت‌محور بوده است. لذا پیشنهاد می‌شود، سرمایه‌گذاری و توسعه کشاورزی و صنایع و فعالیت‌های مرتبط با آن، از جایگاه بهتری در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت و عدالت برخوردار شود تا اقشار محروم، فرصت بهتری برای مشارکت در فرصت‌های اقتصادی کشور را پیدا کنند و از محل رشد اقتصادی منتفع شوند.

### منابع

- الکساندر، چالز، پ. (۱۳۷۳). وضعیت زیست محیطی کره زمین دو سال پس از کنفرانس ریو. ترجمه محمدرضا صالح پور، مجله آب و توسعه، سال دوم، شماره ۷۵، ص ۴۲-۳۹.
- بنی‌اسدی، مصطفی و ورمزیاری، حجت. در دست انتشار، الف. بررسی عوامل مؤثر بر بهره‌وری نیروی کار کشاورزی، توزیع درآمد و فقر در نواحی روستایی ایران. پذیرش برای انتشار در فصلنامه روستا و توسعه.
- بنی‌اسدی، مصطفی و ورمزیاری، حجت. در دست انتشار، ب. بررسی وجود فرضیه توزیع درآمد کوزنتس در مناطق روستایی ایران (در دوره ۱۳۸۶-۱۳۵۰). فصلنامه روستا و توسعه.
- بی‌نام، (۱۳۸۳). راهبرد عدالت اقتصادی. اقتصاد اسلامی. سال چهارم: ۷-۵.
- حسینی، سیدرضا. (۱۳۸۷). نقدی بر دیدگاه سرمایه‌داری درباره انسان اقتصادی. فصلنامه کتاب نقد، شماره ۱۱، ص ۲۵۱-۲۱۰.

## سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

ارده‌بشت و خردلو ۱۳۹۳

خورشید، احمد. (۱۳۷۴). مطالعاتی در اقتصاد اسلامی، جلد اول، ترجمه محمد جواد مهدوی، مشهد، آستان قدس رضوی.

دیرباز، عسگر و دادگر، حسن. (۱۳۸۶). نگاهی به اسلام و توسعه پایدار. تهران: کانون اندیشه جوان. صدر، محمدباقر. ۱۳۷۵. اقتصادنا، مکتب الاعلام الاسلامی.

قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران. قرآن کریم.

یوسفی، محمدقلی. (۱۳۸۸). استراتژی‌های رشد و توسعه اقتصادی. تهران: نشر نی.

Armstrong, H. and J. Taylor. 2000. Regional Economics and Policy. Third Edition. Oxford, UK: Blackwell Publishers.

Becker, Barbara. (1997). Sustainability assessment: a review of values, concepts, and methodological approaches. Issues in agriculture 10. World Bank, CGIAR (Consultative Group on International Agricultural Research).

Cattarinich, Xavier. (2001) Pro-poor tourism initiatives in developing countries: Analysis of secondary case studies. Pro-poor tourism (PPT) Working Paper No. 8 for the Centre for Responsible Tourism at the University of Greenwich (CRT), International Institute for Environment and Development (IIED) and Department for International Development (DFID); [http://www.propoortourism.org.uk/ppt\\_pubs\\_workingpapers.html](http://www.propoortourism.org.uk/ppt_pubs_workingpapers.html) (Accessed January 5 2007)

Corbridge, S. (1995). Development studies: a reader. New York: Edward Arnold.

Costanza, R. (1993). Ecological Economic Systems Analysis: Order and Chaos. In economics and ecology. New Frontieiers and Sustainable Development, edited by E. B. Barbier, 29-45. London: Chapman and Hall.

Costanza, R., & Wainger, L. (1991). Ecological economics, Business Economics, 26, 45-48.

Dahl, Arthur Lyon. (2012). Achievements and gaps in indicators for sustainability. Ecological Indicators 17: 14–19.

Daly H.E., Cobb, J.B. (1989). For the common good. Boston: Beacon Press.

Escobar, A. (1995). Encountering development: the making and unmaking of the Third World. Princeton, NJ: Princeton University Press.

- Food and Agriculture Organization (FAO). 2003. World agriculture: towards 2015/2030 AN FAO PERSPECTIVE. Edited by Jelle Bruinsma. Earthscan Publications Ltd. London
- Gasparatos, A. (2008). Environmental Impact Assessment Review, 28: 286–311.
- Goodland, R., Daly, H., El Serafy, S., and Von Droste, B. (1992). Environmentally sustainable economic development: building on brundtland. Paris: UNESCO.
- Goodwin, H. (2000). Pro-Poor Tourism: opportunities for sustainable development. Frankfurt, Development and Cooperation Paper No.5, September/October, 12-14.
- Hettne, B. (1995). Development theory and the three worlds: towards an international political economy of development (2. ed.). Harlow; New York: Longman.
- IUCN. (1980). World Conservation Strategy: living resource conservation for sustainable development. Gland: International Union Conservation of Nature and Natural Resources.
- Knutsson, B. (2009). The Intellectual History of Development towards a Widening Potential Repertoire. School of Global studies, Göteborgs universitet.  
[www.globalstudies.gu.se/africastudies/forskning/publikation](http://www.globalstudies.gu.se/africastudies/forskning/publikation).
- Lawn, P.A. and Sanders, R.D. (1999). Has Australia surpassed its optimal macroeconomic scale? Finding out with the aid of 'benefit' and 'cost' accounts and a sustainable net benefit index. *Ecolog. Econom.* 28, 213–229.
- Lele, S. (1991). Sustainable development: a critical review. *World Development*, 19 (6), 607-621.
- Loomis, T.M. (2000). Indigenous Populations and Sustainable Development: Building on Indigenous Approaches to Holistic, Self-Determined Development. *World Development* 28 (5), 893–910.
- Nederveen Pieterse, J. (2001). Development theory: deconstructions/reconstructions. London: SAGE.
- Nordhaus W.D., Tobin J. (1972). Is growth obsolete? New York: National Bureau of Economic Research, Columbia University Press.
- Norgaard, R. (1994). Development betrayed: the end of progress and a coevolutionary revisioning of the future. London: Routledge.
- Oden, B. (2006). Bistandets idehistoria: fran Marshallhjalp till millenniemal. Lund: Studentlitteratur.

- O'Connor, M. (1994). Introduction: Liberate, accumulate and bust? In: M. O'Connor, Is capitalism sustainable? Political economy and the politics of ecology (pp. 1-21). New York: The Guilford Press.
- Piketty, T. and E. Saez. 2003. Income inequality in the United States, 1913 – 1998. Quarterly Journal of Economics 118 (1): 1-39.
- Pojman, L.P. (1989). Ethical theory: classical and contemporary readings. Belmont, CA: Wadsworth Publishing.
- Rachels, J. (1999). The elements of moral philosophy (3rd ed.). Boston: McGraw-Hill.
- Rist, G. (1997). The history of development : from Western origins to global faith. London: Zed.
- Roe, D. and Urquhart Khanya, P. 2001: Pro-poor tourism: harnessing the world's largest industry for the world's poor. Prepared for World Summit on Sustainable Development, Johannesburg, 2002. London: International Institute for Environment and Development (IIED) and Regional and International Networking Group (RING).
- Schumann, P.L. (2001). A moral principles framework for human resource management ethics. Human Resource Management Review 11: 93-111.
- Sydorovych, O. and Wossink, A. (2007). Assessing Sustainability of Agricultural Systems: Evidence from a Conjoint Choice Survey. Selected paper prepared for presentation at the Southern Agricultural Economics Association Annual Meetings.
- Szirmai, A. (2005). The dynamics of socio-economic development: an introduction. Cambridge: Cambridge University Press.
- Technical Advisory Committee, CGIAR (Consultative Group on International Agricultural Research). (1989). Sustainable Agricultural Production: Implications for International Agricultural Research. Food and Agriculture Organization of the United Nations (FAO) Research and Development Paper No. 4. Rome.
- Temple, S. (1992). In T. Davis, What is sustainable development? enominee Development Institute. <http://www.menominee.com/sdi/articles/whatis.htm>.
- Thorbecke, E. (2006). The Evolution of the Development Doctrine, 1950-2005: United Nations University. World Institute for Development Economics Research.
- Todaro, M. (1996). Economic development (6th ed.). New York: Addison-Wesley.

سومین کنفرانس آکادمی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

ارده‌بشت و خردلو ۱۳۹۳

- Velasquez, M.G. (1997). Ethical relativism and the international business manager. In: F. N. Brady (Ed.), Ethical universals in international business: studies in economic ethics and philosophy (pp. 15±26). Berlin: Springer-Verlag.
- Velasquez, M.G. (1998). Business ethics: concepts and cases (4th ed.). Upper Saddle River, NJ: Prentice-Hall.
- World Bank 2002: Millennium development goals: eradicate extreme poverty and hunger .  
<http://www.developmentgoals.org/poverty.htm>(last accessed 6 June 2002).
- Young, E. (1995). Third world in the ®rst: development and indigenous peoples. London: Routledge.
- Zolotas, X. (1981). Economic growth and declining social welfare. New York: New York University Press.